

اعلام کنفدراسیون دموکراتیک در روژاوا و موضع آمریکا و ترکیه و... علیه آن

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

دولت‌های جهانی به‌ویژه منطقه، با سیستم خودگران و یا خودمدیریتی دموکراتیک در روژاوا مخالفند. چرا که این سیستم بسیار متفاوت و کاملاً مغایر با سیستم دولتی و سازمان‌دهی سرمایه‌داری جهانی است و در واقع متأثر از گرایش‌های چپ و سوسیالیستی است. یعنی بحث بر سر نام نیست، بلکه بر سر حاکمیت و قدرت است که در جهان امروز از بالا به پایین است. یعنی پارلمان قوانین را تصویب می‌کند و دولت آن را اجرا می‌کند و هر کسی نیز آن قوانین را نقض کند تحت پیگرد قرار می‌گیرد. بنابراین، به‌ویژه دولت‌های ذی‌نفع در امور سوریه که در جنگ داخلی آن نیز حضور دارند بلافاصله با اعلام کنفدراسیون دموکراتیک در روژاوا و سوریه عکس‌العمل نشان دادند.

در کنفرانسی که با حضور ۲۰۰ نماینده از سازمان‌ها و احزاب و تشکلهای سیاسی، مدنی، دموکراتیک و نظامی شمال سوریه از جمله نماینده‌هایی از نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک خلق‌ها (YPG)، ارتش دموکراتیک سوریه و اتحادیه دفاع زنان سوریه در منطقه «رمیلان» کانتون جزیره برگزار شده بود در نهایت پس از بحث و گفتگو در خصوص سیستم کنفدراسیون دموکراتیک و با در نظر گرفتن حقوق تمام اقلیت‌های ملی و مذهبی و غیره در منطقه، کنفدراسیون شمال سوریه با ۳ کانتون جزیره، کوبانی و عفرین اعلام وجود کرد.



در این کنفرانس که نمایندگانی از کردها، عرب‌ها، ارمنه، ترکمن‌ها و سایر ملیت‌ها حضور داشتند متن روند ایجاد سیستم دموکراتیک در شمال سوریه با وجود تمام مخالفت‌های موجود در خصوص کنفدراسیون دموکراتیک شمال سوریه مصوب شد. این اعلام کنفدراسیون، در شرایطی صورت می‌گیرد که مارک تونر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در آخرین اظهارات خود بر یک‌پارچگی سوریه تأکید کرده و گفته بود ایجاد یک منطقه خودگردان کردی در شمال سوریه را تأیید نخواهیم کرد.

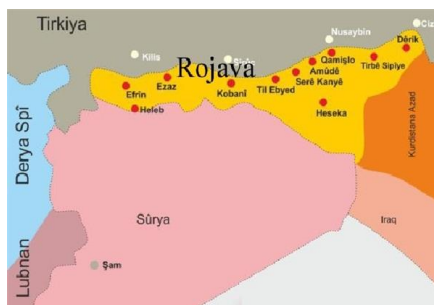
همچنین بر اساس اخباری که در خبرگزاری اسپوتنیک منتشر شده آمده است: کنفرانسی که از دیروز در منطقه رمیلان آغاز شده با انتشار متن روند ایجاد سیستم دموکراتیک شمال سوریه به‌کار خود پایان داده و کنفدراسیون شمال سوریه با ۳ کانتون تاسیس شده است.

احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های کرد و غیر کرد سوریه در کنفرانس «رمیلان» در شمال سوریه، گرد هم آمدند تا بنا به‌گفته خودشان اساسنامه حکومت «اتحاد دموکراتیک روژاوا - شمال سوریه» را تدوین کنند. شرکت‌کنندگان مفاد این اساسنامه را تأیید و تشکیل کنفدراسیون دموکراتیک در شمال سوریه را اعلام کردند.

منطقه روژاوا که اکنون هیچ کشوری به‌طور رسمی آن را به رسمیت نشناخته است، از سه منطقه اصلی تشکیل می‌شود: ۱- عفرین ۲- کوبانی و ۳- جزیره. مردم این مناطق را کردها، اعراب، سریانی‌ها، آشوری‌ها، ارمنی‌ها، چچن‌ها تشکیل می‌دهد.

منطقه روژاوا، قسمت شمال استان‌های حلب، رقه و حسکه را شامل می‌شود. شهرهای اصلی که در منطقه روژاوا قرار دارند، عبارتند از: دیرک، کرکی لکی (معبده)، رمیلان، جل آغا (جوادیه)، تریه سبیه (قحطانیه)، قامشلو (القامشلی) عامودا، الدرباسیه، سریه کانیه (راس العین)، کری سبی (تل ابیض)، کوبانی (عین العرب) و عفرین.

هم اکنون روژاوا (کردستان سوریه)، حدود ۴۰۰ کیلومتر از خاک سوریه در شمال این کشور را از مرزهای اقلیم کردستان عراق تا رود فرات در کنترل خود دارند. این مناطق هم مرز با ترکیه است. روژاوا، همچنین یک منطقه مجزا به نام عفرین را که یکی از کانتون‌های خودگردان است در شمال غرب سوریه در اختیار دارند.



در کنفرانس رمیلان، نمایندگانی روژاوا (کردستان سوریه) و سوریه و ارمنی‌ها، چچن‌ها، ترکمن‌ها و غیره که در مذاکرات ژنو و عربستان حضور ندارند، روز پنجشنبه ۱۷ مارس ۲۰۱۶ رسماً ایجاد یک منطقه کنفدراسیون دموکراتیک در مناطق تحت کنترل خود را در شمال این کشور اعلام کردند. دولت بشار اسد و مخالفان وی که سرگرم مذاکرات صلح در ژنو هستند با این تصمیم مخالفت کرده‌اند.

سپهاتوک دبیو، از رهبران حزب اتحاد دموکراتیک کردستان سوریه با اعلام این مطلب افزوده است که سیستم خودگردان دموکراتیک در منطقه «روژاوا» (کردستان سوریه) به‌تصویب رسید.

آلدر خلیل از اعضای کمیته تدارکات طرح ایجاد منطقه مستقل یا «روژاوا» نیز گفته است که موجودیت سیاسی جدید مرکب از سه منطقه «عفرین»، «کوبانی» و «جزیره» در منطقه کردنشین سوریه است.

با این حال، کردهای سوریه تاکید کرده‌اند که منطقه مستقل جدید بر اساس ملاحظات ملی تشکیل نشده است، زیرا، به‌غیر از کردها، نمایندگان عرب‌ها و دیگر ملیت‌های سوریه نیز در منطقه جدید حضور دارند.

منصور السلوم، یکی از روسای مجلس موسسان حکومت خودگردان کردستان سوریه، نهادی که وظیفه اجرای تصمیم نظام کنفدراسیون دموکراتیک و خودگردانی کردستان سوریه را برعهده دارد در این‌باره گفته است: «سوریه آینده برای همه مردم سوریه است و این کشور سزاوار آن است که دولتی فدرال و دموکراتیک با تکیه بر همه اقشار جامعه داشته باشد. بر همین اساس، ما تصمیم گرفته‌ایم که سیستم دموکراتیک روژاوا را در شمال سوریه پیاده کنیم.

وی گفت: «ما درباره انتخاب دو رییس برای مجلس موسسان که نهادی قانون‌گذار متشکل از ۳۱ عضو است تصمیم‌گیری کرده‌ایم.» نهادها و سازمان‌های کرد و غیرکرد سوریه، از قبل سه اداره خودگردان را (عفرین، کوبانی و جزیره) در شمال سوریه ایجاد کرده بودند. این منطقه اکنون نیروهای دفاعی و امنیتی و سیاست‌ها و قوانین و مدارس خاص خود را دارند. این سه منطقه در امتداد مرز سوریه با ترکیه واقع شده‌اند.

رهبران روژاوا می‌گویند از پنج سال پیش که کنترل مناطق کردنشین را به‌دست گرفته‌اند تجربیات زیادی در زمینه اداره مناطق تحت کنترل خود به‌دست آورده‌اند و در نتیجه برقراری کنفدراسیون دموکراتیک در مناطق روژاوا لازم بود.

آن‌ها اعلام کرده‌اند کنفدراسیون دموکراتیک که در این مناطق ایجاد خواهد شد بر اساس خطوط سرزمینی و نه قومیت خواهد بود و به‌هیچ وجه هم به‌دنبال استقلال نیست.

هدیه یوسف، یکی از روسای مجلس موسسان منطقه خودگردان کردستان سوریه در این‌باره گفته است: «۳۱ نماینده منتخب مجلس موسسان وظیفه اجرای تصمیمات گرفته شده در خصوص خودگردانی در مناطق کردنشین سوریه طی شش ماهه آینده را دارند.»

منصور السلوم افزود: هر منطقه‌ای که یگان‌های مدافع خلق (YPG)، آزاد کند می‌تواند به‌این نظام بپیوندد. ما در نظر داریم رقه و دیرالزور و همه سوریه را آزاد کنیم.

کردهای سوریه که حدود ۱۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند از سال ۲۰۱۱ که جنگ داخلی سوریه آغاز شده است تاکنون مواضع مستقل خود را از حکومت مرکزی سوریه و مخالفین آن دارند.

ادریس نسان، مسنول روابط خارجی کانتون کوبانی در گفتگو با خبرنگاری رویترز عنوان کرده است: سیستم خودگردانی که توسط مردم کرد و سایر اقلیت‌های شمال سوریه به‌وجود آمده است باید توسعه پیدا کند. ۳ کانتون جزیره، کوبانی و عفرین در شمال سوریه که عمدتاً تحت کنترل نیروهای YPG قرار دارند را فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه اعلام می‌کنیم و الگوی تمام کسانی خواهیم بود که در این مناطق زندگی می‌کنند.

بعد از اظهارات نسان در خبرگزاری رویترز، مجلس موسسان شمال سوریه، در منطقه رملان از کانتون جزیره با حضور ۲۰۰ عضو خود تشکیل جلسه داده و مسئله اعلان کنفدراسیون دموکراتیک در شمال سوریه را بررسی کرده‌اند. پیش‌نویسی که در این جلسه ارائه شده است به‌مواردی مانند مناطق خودگردان دموکراتیک در سوریه، اقتصاد متکی به‌خود و اقدامات امنیتی و دفاعی پرداخته است.



صالح مسلم، رهبر مشترک حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه درباره این کنفرانس گفت: این کنفرانس اساس این که چگونه تشکلهای ساکن این مناطق با هم تعامل خواهند کرد را تعیین می‌کند.

وی در مصاحبه دیگری با خبرنگاری اسپوتنیک گفت: ما با این که به‌نظام کنفدراسیونی رای داده‌ایم در داخل مرزهای کنونی سوریه خواهیم ماند.

یگان‌های مدافع خلق (YPG)، شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک (PYD)، که بیش‌تر با نام اختصاری «پی‌دگ» شناخته می‌شود، نیروهای داعش را از این مناطق بیرون رانده‌اند. اما ترکیه، یگان‌های مدافع خلق را «گروهی تروریستی» و وابسته به‌حزب کارگران کردستان ترکیه می‌داند. ترکیه حزب کارگران کردستان ترکیه (پ ک ک)، را نیز تروریستی اعلام کرده است.

آلدر خلیل، از مقامات ارشد کردهای سوریه و سازمان‌دهنده کنفرانس رملان به‌رادیو استرالیا گفت: کردها در پی یافتن راهی برای متحد کردن و یک‌پارچه کردن قلمروهای تحت کنترل خود بودند و کنفدرالیسم دموکراتیک بهترین راه حل بود. وی افزود: ما تمام هم و غم خود را وقف ایجاد سیستم فدرالی در روژاوا و شمال سوریه کرده‌ایم.

واکنش‌ها به‌اعلام تشکیل منطقه کنفدراسیون دموکراتیک توسط رهبران روژاوا در شمال سوریه، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که این روزها مورد توجه مطبوعات و رسانه‌های بین‌المللی منطقه‌ای قرار گرفته است.

به‌گزارش روزنامه ملیت ترکیه، سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه در لندن اعلام کرد: بعد از مطرح شدن مباحثی که از جانب حزب اتحاد دموکراتیک سوریه (PYD) پیرامون کنفدراسیون شمال سوریه مطرح شد؛ همان روز شاهد درگیری‌هایی میان نیروهای وابسته به‌حزب اتحاد دموکراتیک سوریه و نظامیان ارتش سوریه در منطقه قامیشلی بودیم.

بخش بزرگی از منطقه قامیشلی، تحت کنترل نیروهای YPG قرار دارد و بخشی از این منطقه تحت کنترل نیروهای نظامی دولت مرکزی قرار دارد. فرودگاه استراتژیک این منطقه نیز در کنترل نیروهای وابسته به دولت مرکزی است. بعد از اعلام کنفدراسیون در شمال سوریه، درگیری‌های میان این دو نیرو صورت گرفته و نیروهای YPG با آتش توپخانه بناهای دولتی در این منطقه را مورد هدف قرار دادند. اندکی پس از اعلام استقلال منطقه شمال سوریه، وزارت امور خارجه حکومت سوریه، نسبت به هر نوع اقدامی برای زیر سوال بردن تمامیت ارضی این کشور هشدار داد و ادعا کرد که اعلام استقلال منطقه شمال سوریه فاقد هرگونه ارزش حقوقی، سیاسی و اقتصادی است، زیرا، هیچ‌یک از آحاد و گرایش‌های سیاسی مردم سوریه در این تصمیم‌گیری نقش نداشته‌اند.

بر اساس گزارش «سانا» (خبرگزاری رسمی سوریه)، در پی اعلام تشکیل حکومت فدرالی در مناطق تحت کنترل کردها، دولت سوریه مخالفت خود را با نظام فدرالی کردها اعلام کرد. یک منبع در وزارت خارجه سوریه با هشدار نسبت به اقدام علیه وحدت ملت و سرزمین سوریه، تاکید کرده که طرح موضوع اتحادیه یا حکومت فدرالی، موجب آسیب به وحدت سرزمینی سوریه خواهد شد و این مسئله با قانون اساسی و مفاهیم ملی و تصمیمات بین‌المللی در تناقض است. به گفته او، اعلامیه‌هایی از این دست، هیچ ارزش قانونی ندارد و هیچ تاثیر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تا زمانی که برخاسته از اراده تمامی اقشار سوریه نباشد، نخواهد داشت.

اعلام این خبر خشم ترکیه را برانگیخته و مذاکرات ژنو را بیش از پیش دشوار کرده است. وزارت خارجه ترکیه در بیانیه‌ای به‌مطرح شدن اجرای نظام کنفدراسیون دموکراتیک در سوریه واکنش نشان داد. وزارت خارجه ترکیه روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۹۴، در بیانیه‌ای ضمن حمایت از تمامیت ارضی سوریه، اعلام کرد: تبلیغات یکجانبه‌ای که در مورد فدرالی‌شدن سوریه مطرح می‌شود، باطل است. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه، روز جمعه ۱۸ مارس ۲۰۱۶، با انتقاد از نحوه برخورد اروپا با پناهندگان گفت، اروپا قبل از این که بخواهد خواسته‌های خود را بر ترکیه دیکته کند خود نیازمند بازنگری بیش‌تری نسبت به مسئله حقوق مهاجران است. اردوغان در یک سخنرانی که به‌صورت زنده از تلویزیون رسمی ترکیه پخش شد، گفت، اروپا با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از تروریست‌ها بر «میدانی از مین می‌رقصد».

اردوغان، ادعا گفت: «اروپایی‌ها در موضع‌گیری‌های خود در برابر گروه‌های تروریستی صادق و شفاف نیستند». اردوغان اظهار داشت: «هیچ دلیلی وجود ندارد بمبی که در آنکارا منفجر شد، در بروکسل و یا هر شهر دیگر اروپا منفجر نشود. با وجود این واقعیت، کشورهای اروپایی هنوز بی‌خردانه عمل می‌کنند و این مانند رقصیدن در میدان مین است، اصلا مشخص نمی‌کند که کی پا بر روی مین خواهی گذاشت؛ اما سرانجام آن روشن است». او افزود: «بهرغم این واقعیت‌ها اما کشورهای اروپایی هنوز هم به این مسئله اهمیت نمی‌دهند و مانند کسی است که بر میدان مین می‌رقصد».

خبرگزاری روسی «اسپوتنیک»، «اظهارات معاون وزارت خارجه روسیه در این زمینه بازتاب داده که گفته کردها به‌طور یکجانبه و خارج از مذاکرات ژنو نمی‌توانند درباره مسائل مربوط به فدرالی‌شدن مناطق کردنشین در سوریه تصمیم بگیرند. میخائیل بوگدانوف گفته است: «مذاکرات درباره سوریه، از جمله مسائلی مانند برقراری آتش‌بس و فرایند سیاسی و ثبات در این کشور، باید در یک روند فراگیر و در قالب مذاکرات سوری-سوری انجام شود». این مقام روس تاکید کرده که هیچ‌یک از طرف‌ها نباید موضع خود را به‌دیگری تحمیل کند بلکه هرگونه تصمیم‌گیری باید بر اساس توافق انجام شود.

ایتارتاس، دیگر خبرگزاری روسی، اظهارات سخنگوی رئیس جمهور این کشور را مورد توجه قرار داده که بر ضرورت حفظ سوریه به‌عنوان کشوری یکپارچه تاکید کرده است. به گفته دیپلمات روس، نظام حکومتی سوریه مساله‌ای داخلی است که فقط به‌مردم سوریه مربوط می‌شود. وی نیز همچون بوگدانوف اظهار داشته: «این موضوع باید در چارچوب مذاکرات ملی سوریه که در آن تمام گروه‌های قومی و مذهبی ساکن سوریه شرکت می‌کنند، از جمله کردها، سنی‌ها و علوی‌ها حل و فصل شود... برای روسیه اهمیت فراوان دارد که سوریه کشوری یکپارچه باقی بماند». در عین حال، این مقام روس تاکید کرده که روسیه، همواره بر مشارکت کردهای سوریه در مذاکرات ژنو تاکید دارد.

راشا تودی، اظهارات ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه را بازتاب داده که درباره عملیات نظامی کشورش در سوریه سخن گفته است. پوتین در مراسم استقبال از فرماندهان و نظامیان نیروی هوایی این کشور پس از بازگشت از سوریه، عملکرد آن‌ها را خوب و موثر توصیف کرد و گفت: «هدف عملیات ما، جلوگیری از رسیدن تروریست‌ها به روسیه است و مواضع آن‌ها را در سوریه منهدم کردیم». او همچنین تاکید کرده: «روسیه این توان را دارد که طی چند ساعت، حضور نظامی خود را در سوریه تقویت کند. روسیه به‌نظارت بر آتش بس سوریه ادامه خواهد داد. تصمیم روسیه برای خروج بخشی از نیروهای خود از سوریه، با موافقت بشار اسد، رئیس جمهور سوریه انجام شد».

به‌نوشته خبرگزاری فرانسه، آمریکا هشدار داده تلاش گروه‌های کرد را در کشور جنگ‌زده سوریه برای تشکیل یک منطقه فدرالی خودگردان به‌رسمیت نخواهد شناخت و از چندپاره شدن سوریه حمایت نمی‌کند و هرگونه مدل فدرالی، باید از دل گفت‌وگوهای صلح بیرون بیاید. مارک تونر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته: «ما به‌روشنی گفته‌ایم هیچ‌گونه منطقه خودگردان را در سوریه به‌رسمیت نمی‌شناسیم».

به‌نوشته خبرگزاری رویترز، استفان دی میستورا، نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه که وظیفه هماهنگی مذاکرات را بر عهده دارد نیز درباره تصمیم اخیر رهبران روژاوا، به‌موضع‌گیری پرداخته و گفته هم دولت سوریه و هم معارضین، فدرالی‌شدن سوریه را رد می‌کنند. او در این زمینه گفت: «اختلافات بین هیئت دولت سوریه و معارضان هنوز گسترده است؛ اما دو طرف درباره مسئله ارزشمندی همچون وحدت سوریه و احترام به اقلیت‌ها نظر واحد دارند و هر دو سیستم فدرالی را رد می‌کنند».

او همچنین گفته که با نمایندگان دولت سوریه و معارضان مقیم ریاض در مورد مسئله بازداشت شده‌ها و اسیران رایزنی کرده است. دی میستورا افزوده: «درباره مسائل اصلی به‌توافق رسیده‌ایم؛ اما آن چیزی که در ابتدا به‌آن نیاز داریم، فهم مشترک است».

به گزارش رویترز یک دیپلمات دیگر عضو شورای امنیت نیز تایید کرده است که طرح تقسیم فدرالی سوریه در حال بررسی است. این دیپلمات‌ها توضیح بیش‌تری در خصوص ویژگی‌های طرح فدرالی سوریه ارائه نکرده است.

مخالفان حکومت بشار اسد که از جانب عربستان سعودی حمایت می‌شوند، طرح پیشنهادی روسیه برای توافق بر تقسیم فدرالی سوریه را رد کردند.

ریاض حجاب، «رئیس هیات عالی مذاکرات»، پیش‌تر گفته بود: هرگونه اشاره به فدرالیسم و هر طرحی که در برگیرنده تقسیم سوریه باشد، غیر قابل قبول است. این مخالف حکومت سوریه توضیح بیش‌تری در خصوص طرح پیشنهادی روسیه ارائه نکرده بود.

جالب آن است که تاکنون در مذاکرات صلح سوریه، دولت‌ها و در راس همه ترکیه، مانع حضور حزب دموکراتیک کردهای سوریه شده‌اند. حیرت‌آور این است که در غیاب شهروندان سوریه و کردستان سوریه، دولت‌های دیگر با نیروهای مورد پذیرش و طرفدار خودشان در جنگ داخلی سوریه، درباره سرنویشت آینده مردم سوریه، تصمیم می‌گیرند.

رابطه کردهای سوریه با دولت اسد را باید از زمان زمامداری حافظ اسد بررسی کرد. به‌طور کلی از آن زمان تا به‌امروز، رابطه خوب و حسنه‌ای بین کردها و دولت سوریه نبوده و بسیاری از کردهای سوریه از دولت‌های این پدر و پسر نفرت دارند. از زمان به‌قدرت رسیدن حافظ اسد در سوریه، کردها در این کشور به‌طور سیستماتیک سرکوب شده‌اند. در سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ که حزب بعث در سوریه قدرت را در دست گرفت، تاکید حزب بعث بر ناسیونالیسم عربی، تنش را میان کردها و اعراب افزایش داد. زبان کردی هرگز رسمیت نیافت و استفاده از آن در اماکن رسمی ممنوع شد. حق شهروندی تا سالیان طولانی به آن‌ها اعطاء نگردید و در حال حاضر هم برخی از کردها شهروند این کشور محسوب نمی‌شوند.

دولت اسد، همواره معتقد بود که بسیاری از کردها تحت تاثیر بحران‌های کشور همسایه در طول ۱۹۲۰ به‌سوریه فرار کرده‌اند و آن‌ها به‌عنوان افراد بومی سوریه شناخته نمی‌شوند. با این‌که دولت سابقه طولانی حضور آن‌ها را در خاک سوریه تایید می‌کرد اما از این مسئله برای توجیه سیاست‌های تبعیض‌آمیز خود استفاده می‌نمود.

با آغاز بحران داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، کردها که دل خوشی از سیاست‌های دولت اسد نداشتند در جایگاه مخالف دولت حاضر شدند و حتی علیه دولت در تظاهرات شرکت کردند. اما رفته‌رفته که اقدامات دولت و ارتش و نیروهای امنیتی و گروه‌های جنگ‌طلب اسلامی علیه حکومت مرکزی حالت خشونت‌آمیز و مسلحانه گرفت، کردها با این سیاست و اهداف دولت و اپوزیسیون مذهبی آن مخالفت کردند.

بشار اسد پس از شروع نا آرامی‌ها دو راه را در پیش رو داشت. راه اول کناره‌گیری و راه دوم اجرای اقدامات اصلاحی در ساختار سیاسی سوریه که البته او راه دوم را برگزید. البته واکنش بشار اسد به‌تهدید کردها هوشمندانه بود و توانست در اصلاحات خود جایگاه کردها را ارتقا بخشد. او که می‌دانست سال‌ها ظلم و ستم بر علیه کردهای کشورش روا داشته است چند اقدام اساسی را مدنظر قرار داد. نخست در اصلاحات خود حق شهروندی را برای مردم کرد محترم شمرد و فقط در یک مرحله به ۱۵۰۰۰۰ نفر از کردهای سوریه حقوق شهروندی به‌رسمیت شناخت. در کنار این مسئله، سپردن مسئولیت‌های مختلف به‌کردها و استفاده از ظرفیت خود آن‌ها برای مدیریت مناطق کردنشین اقدام دیگر بشار اسد بود. اسد همچنین به‌صورت تدریجی نیروهای خود را در مناطق کردنشین کاهش داد و اجباراً آن‌ها را به‌مناطق درگیر جنگ داخلی فرستاد. اسد با این اقدام خود توانست از هرگونه اصطکاک و تنش بین نیروهای خود با کردها جلوگیری نماید. در واقع این اقدامات اسد، تلاشی بود که از شورش مردم کرد جلوگیری کند. در واقع نیروهای دولتی سوریه بر اثر جنگ، مناطق کردنشین را ترک کردند و کنترل کردستان سوریه در حال حاضر در دست نیروهای کرد و دیگر ساکنان این منطقه است. قامشلی، عفرین و مالکیه شهرهای کردنشینی هستند که به‌دست حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه افتاد. این حزب با کنترل جاده‌ها و عبور مرور افراد توانست تا حد زیادی از انتقال درگیری‌ها به‌شهرهای کردنشین جلوگیری کند. حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه (PYD)، قدرتمندترین و اجتماعی‌ترین حزب روژاوا است. باید توجه داشت که در یک جنگ داخلی، طرفین درگیر سعی می‌کنند از تمامی ظرفیت‌های موجود استفاده کنند و شرایط را به‌نفع خود رقم بزنند. از این‌رو مخالفان اسد هم برای جذب کردها تلاش کردند اما تاکنون در این راه موفق نشدند.

به‌این ترتیب، امروز کردهای سوریه نقش مهمی را در تحولات سوریه بازی می‌کنند. اگرچه کم‌ترین بخش اخبار بحران سوریه متعلق به‌کردها است ولی شاید بیش‌ترین نقش در روند آینده سیاسی سوریه، متعلق به‌آن‌هاست.

اما هنگامی که در سال ۲۰۱۱ میلادی، وقایع مربوط به‌قیام کشورهای عربی که به «بهار عربی» معروف گردید شروع شد، حزب «عدالت و توسعه اسلامی» که در ترکیه بر سر کار بود سریعاً به‌موضع‌گیری در این خصوص پرداخت. چرا که سران دولت ترکیه، رویای احیای امپراطوری «ننو عثمانی» را در سر می‌پروراندند این فرصت را غنیمت شمردند تا ایدئولوژی اسلامی خود را به‌این قیام‌ها تزریق کند. غرب و در راس همه ایالات متحده آمریکا نیز از این سیاست و ایدئولوژی اسلامی سران ترکیه حمایت می‌کرد تا به‌اصطلاح «اسلام رادیکال حکومت اسلامی ایران» در منطقه محدودتر شود. به‌خصوص در مصر اخوان‌المسلمین به‌قدرت رسید و مرس رهبر این جریان نیز رییس جمهور این کشور شد. در چنین شرایطی، دولت ترکیه و نخست‌وزیر وقت آن رجب طیب اردوغان که اکنون رییس جمهور این کشور است، با حرص و ولع و قدرت‌طلبی بی‌پایانی به‌مصر سفر کرد. اما با کودتای ژنرال السیسی این رویای اردوغان بر باد رفت. رابطه تنگاتنگ ترکیه با عربستان نیز از همین سیاست نئو عثمانی نشأت می‌گرفت اما به‌عکس خود تبدیل شد و دولت ترکیه را هر چه بیش‌تر به‌ویژه به‌لحاظ اقتصادی، به‌سعودی‌ها وابسته کرد. البته در مقابل کمک‌های مالی کلان عربستان، دولت ترکیه نیز با دست و دل بازی «سخاوتمندان‌های» مناطق خوش آب و هوای ترکیه را به سرمایه‌داران و شاهزادگان عربستان واگذار کرده است. بنابراین به‌خوبی در مواضع ترکیه نسبت به‌قیام‌های صورت گرفته در تونس، مصر و لیبی کاملاً مشخص است. اما ترکیه چنین موضع سریع و مشخصی را هنگامی که اعتراضات پراکنده در سوریه شروع شد، نه تنها اتخاذ نکرد بلکه نخست‌وزیر وقت این کشور رجب طیب اردوغان دارای روابط صمیمی و نزدیک و حتی شخصی با رییس جمهور سوریه بشار اسد بود و از او با عنوان برادر عزیزم یاد می‌کرد.

این رویکرد ترکیه و در راس آن اردوغان به‌سوریه و شخص بشار اسد به‌یک‌باره و پس از دیدارهایی که فرستادگان او، وزیر امور خارجه وقت احمد داووداوغلو و رییس سازمان اطلاعاتی ترکیه حاکان فیدان با بشار اسد در دمشق داشتند، ناگهان تغییر کرد و ترکیه به‌یکی از بزرگ‌ترین حامیان گروه‌های مخالف و حتی بعضاً گروه‌های تروریستی اسلامی که با دولت سوریه می‌جنگیدند تبدیل شد. اما دلیل این تغییر رفتار آنی و یکباره چه بود؟ اردوغان توسط فرستادگان خود از بشار اسد چه خواسته بود؟

از سوی دیگر، همان دوره هینتی از احزاب مخالف و اپوزیسیون ترکیه و همچنین فعالان سیاسی مستقل این کشور دیداری از دمشق و با شخص بشار اسد داشتند که در نوع خود جالب توجه بود، جواب پرسش‌های مطرح شده در بالا را با پروفیسور محمت یووا استاد دانشگاه دمشق و هماهنگ‌کننده دیدار هینت ترک با بشار اسد مطرح داده است.

پروفیسور محمت یووا (Mehmet Yuva) محقق و نویسنده و استاد دانشگاه دمشق است. او مترجم ویژه و مشاور بشار اسد رییس جمهور سوریه و همچنین دارای روابط نزدیک شخصی با اوست، که این نزدیکی باعث شده تا وی دارای اطلاعات خاص و دست اولی از وقایع منطقه و مخصوصاً سوریه باشد.

محمت در مقابل سنوالی که از وی شده بود «سیاست منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان را مخصوصاً در مورد بحران سوریه چگونه ارزیابی می‌کنید؟»

او چنین جواب می‌دهد: «برای دانستن چرایی و علل نوع سیاست خارجی حکومت ترکیه به‌رهبری حزب عدالت و توسعه باید کمی به‌قبل برگردیم. اردوغان قبل از این بارها خودش عنوان کرده بود که به‌عنوان یکی از مجریان طرح خاورمیانه بزرگ که توسط ایالات متحده آمریکا برای منطقه طراحی شده، به‌شمار می‌رود.

اگر ریشه‌های تر به مسئله نگاه کنیم، خواهیم دید که اصل روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه به‌خاطر این بود که رهبران و موسسین این حزب به‌آمریکای پس از ۱۱ سپتامبر که در فکر تغییر منطقه و حمله نظامی به‌عراق بود، قول مساعد داده بودند که در اجرای نقشه‌های ایالات متحده آمریکا

در منطقه و حمله به عراق با این کشور همراهی تمام و کمالی را خواهند داشت. در درک و فهم این نقطه که اردوغان با قبول معاونت در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ، زمینه روی کار آمدن حزب متبوعش را فراهم آورده است، بسیار لازم و ضروری است. حال چرا این موضوع را مطرح می‌کنم؟ علت این است که پروژه خاورمیانه بزرگ می‌خواهد تا نظام‌های سیاسی حاکم بر منطقه را از ریشه و به‌صورت بنیادی دگرگون سازد. البته کاملا مشخص است که این تغییرات وسیع نه به‌سود و منفعت مردم منطقه، بلکه در راستای منافع ایالات متحده آمریکا، از آن مهتر منافع و امنیت اسرائیل، کنترل منابع غنی نفت و گاز موجود در منطقه و همچنین کنترل شاهراه‌های انتقال این منابع انرژی است و چنین اهدافی را دنبال می‌کند. «در واقع دولت اردوغان پیاده کننده طرح خاورمیانه بزرگ مورد نظر آمریکا بود؟

وی اضافه می‌کند که «در دیداری که با رییس جمهور سوریه بشار اسد داشتیم، یکی از سنوآلهایی که از آقای اسد پرسیده شد، این موضوع بود. سنوآله این بود که، آقای اسد در حالی که قبل از شروع بحران سوریه میان شما و اردوغان روابط بسیار صمیمی و خاصی برقرار بود، این روابط چرا به‌یکباره گسست و دلیل خشم و غضب اردوغان اکنون نسبت به شما چیست؟ آقای بشار اسد در جواب این پرسش این پاسخ را داد که هنگامی که داوآوغلو و حاکان فیدان که حامل پیام‌هایی از سوی اردوغان بودند، به‌دیدارم آمدند، به‌نیابت از سوی اردوغان خواستند که به‌اخوان المسلمین پست‌های وزارتی داده شود که بشار اسد در پاسخ به‌این خواسته آن‌ها را در تضاد با قانون اساسی سوریه خوانده بود.»

به‌این ترتیب، از آن موقع اردوغان که رویای روی کار آوردن اخوان‌المسلمین از تونس تا مصر و از لیبی تا سوریه را در سر می‌پروراند، به‌یکباره دوستی صمیمی خود با سوریه و بشار اسد را به‌خشم و غضب تبدیل کرد.

از سوی دیگر، «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا، گفته است که اگر آتش‌بس فعلی در سوریه شکست بخورد چاره‌ای نمی‌ماند جز این که به «پلان بی» یا «طرح ب» رجوع شود. سرگنی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه گفته که درباره چنین طرحی با طرف آمریکایی صحبت نکرده و ویتالی چورکین، نماینده روسیه در سازمان ملل از واشنگتن خواسته که درباره طرح «ب» که کری درباره آن صحبت کرده است، توضیح دهد. واکنش‌های روسیه اگرچه با سکوت ایالات متحده همراه شد و واشنگتن حاضر نشد حرفی درباره پلان بی بزند اما برای همه این سنوآله پیش آمد، پلان بی چیست؟ آمریکا از چه طرحی صحبت می‌کند و طرح جایگزینی که کری درباره آن صحبت کرده است، کدام است؟

اما کارشناسان و تحلیل‌گران امور منطقه به‌خوبی می‌دانند منظور از پلان بی چیست. پلان بی همان طرحی است که به‌اعتقاد بسیاری از کارشناسان خاورمیانه به‌ویژه کسانی که دستگاه‌های امنیتی آمریکایی و غربی را متهم می‌کنند که درصدد تجزیه منطقه هستند، همان تجزیه سوریه است. طرحی که از همان ابتدای بحران سوریه به‌میان آمد و حتی گفته شد هنری کسینجر، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در گفت‌وگو با یک روزنامه لهستانی صحبت از لزوم اجرای آن مثل دیگر کشورهای عربی حتی به‌زور اسلحه و خون‌ریزی‌های بسیار کرد.

این طرح در آمریکا طرفداران بسیاری دارد. بسیاری از متخصصان اندیشکده‌های مهم آمریکایی بر این باورند که خاورمیانه به‌شیوه فعلی نمی‌تواند برقرار بماند و کشورهای عربی همگی باید تجزیه شوند. در رسانه‌ها بسیار می‌شنویم که از پایان یافتن تقسیم‌های مرزی کشورهای عربی بر اساس طرح سایکس - پیکو حرف می‌زنند. عملاً هم‌اکنون عراق و لیبی بر اساس همین ایده تجزیه شده‌اند و سوریه هم همین‌طور.

به‌هر حال، اگر ایالات متحده بخواهد پلان بی را در سوریه پیاده کند به‌این شکل خواهد بود که نیروهای خود را از شمال و جنوب سوریه یعنی از طریق ترکیه و اردن وارد سوریه خواهد کرد تا به‌این ترتیب منطقه جدیدی تحت کنترل خود به‌وجود آید. برای این که مشکلات سابق بر سر عراق تکرار نشود و متهم به‌اشغال سرزمینی عربی نشود، از نیروهای کشورهای عربی و اسلامی استفاده خواهد کرد که در راس آن‌ها عربستان سعودی، اردن، ترکیه، قطر و امارات متحده عربی خواهند بود. این سناریو تحت عنوان ائتلاف مبارزه با داعش در حال انجام است. در این میان تاکنون بازندگان اصلی مردم سوریه و مردم ترکیه هستند، چه بشار اسد در قدرت بماند و آتش‌بس فعلی ادامه یابد چه آمریکا بخواهد پلان بی را آغاز کند و ورود نظامی به‌سوریه را تسریع کند.

برای همین اردوغان با عصبانیت دانما خطاب به‌جهان می‌گوید که باید میان ترکیه و کردها یکی را انتخاب کنند. ترکیه از این می‌ترسد که با تحکیم موقعیت روژاواکردستان سوریه» و خودمدیریتی دموکراتیک به‌کردستان ترکیه نیز برسد. برای همین در هر حالتی دولت ترکیه خود را بازنده تحولات سوریه می‌داند.

پروژه خاورمیانه بزرگ می‌خواهد با به‌کنترل درآوردن منابع و خطوط انتقال انرژی موجود در منطقه، آمریکا و متحدانش تنها بازیگر و تصمیم‌گیرنده در مورد نفت و گاز باشند. این پروژه می‌خواهد تا به‌شرکت‌های بزرگ نفتی جهان که به‌هفت خاوران نفتی شهرت دارند، در آینده نیز امکان ادامه امپراطوری‌شان را بدهد. این طرح به دنبال این است تا به‌اختلافات مذهبی در این منطقه دامن بزند و بدین وسیله زمینه‌ساز ادامه مناقشات میان جوامع و کشورهای منطقه باشد.

در همین راستا نیز به‌مورد و اتفاق مهم اشاره می‌کنم. اولی مربوط به‌ماه مارس ۲۰۰۳ میلادی است. در این برهه اردوغان نخست وزیر و عبدالله گل رییس جمهور وقت ترکیه تلاش بسیاری کردند تا طرحی را در مجلس ترکیه به تصویب برسانند که در صورتی که این طرح تصویب می‌شد، ایالات متحده آمریکا اجازه می‌یافت تا بیش از ۶۰ هزار نفر از زبده‌ترین نیروهای عملیات ویژه خود را در بخش‌های جنوب شرقی ترکیه و در راستای مرزها با کشور عراق مستقر و برای اشغال این کشور از سمت شمال عملیات وسیعی را شروع کند. اما در آن مقطع زمانی و مخصوصا با روشنگری که اپوزیسیون و همچنین مخالفی که رییس ستاد فرماندهی ارتش ترکیه با این طرح کردند، این لایحه در مجلس تصویب نشد.

اما نکته دوم، این بود که برخلاف تصور غالب، پس از اشغال عراق به‌دست آمریکا، سوریه تبدیل به‌یکی از مهترترین کشورهای منطقه گشت. در سال ۲۰۰۴ میلادی کلین پاول وزیر امور خارجه وقت آمریکا سفری را به‌دمشق داشت و در این سفر با بشار اسد دیدار کرد. این دیدار بسیار مهم بود و در اوضاع کنونی منطقه که الان شاهد هستیم بسیار تاثیر داشت. دیدار بشار اسد و پاول از این جهت که چرا بعد از این دیدار اردوغان تبدیل به‌اجرای ماموریت محوله از سوی آمریکا شد و چرا هم‌اکنون به‌این شدت با بشار اسد ضدیت می‌کند بسیار مهم است. در دیدار مذکور وزیر امور خارجه آمریکا از اسد خواست تا به‌چندین خواسته ایالات متحده آمریکا عمل کند که عبارت بودند از: عدم کمک به‌اپوزیسیون عراق و هر گونه نیروی مردمی که مخالف حضور و اشغال کشورشان توسط آمریکا هست؛ قطع رابطه با گروه‌های مبارز فلسطینی که برای آزادی فلسطین با اسرائیل در حال مبارزه هستند و یا حداقل جلوگیری از فعالیت‌های نظامی این گروه‌ها؛ ایجاد فاصله با حرکت حزب‌الله لبنان، اما از همه مهتر نیز تجدید نظر در روابط سوریه با متفق استراتژیک خود، یعنی حکومت اسلامی ایران. این‌ها خواسته‌های آمریکا از بشار اسد بود که در دیدار کلین پاول در سال ۲۰۰۴ با وی مطرح شد. هنگامی که بشار اسد، بسیاری از این خواسته‌های آمریکا را رد کرد، مورد خشم شدید این کشور قرار گرفت و ما به‌راحتی این خشم و غضب مقامات آمریکایی نسبت به‌سوریه را در اظهارات این اشخاص و مخصوصا جورج بوش شاهد بودیم. در اواخر سال ۲۰۰۴ میلادی، حمله قریب‌الوقوع ایالات متحده آمریکا به‌سوریه، به‌صورت بسیار جدی مطرح بود. اما درجا زدن آمریکا و شکست‌های پی‌درپی در عراق و از این مهتر نیز نقش فعال حکومت اسلامی ایران در رقابت با آمریکا در عراق، مانع از این حمله و اشغال سوریه شد. وقتی آمریکا دید که حداقل فعلا امکان تصرف نظامی سوریه را ندارد، نقشه به‌زانو درآوردن سوریه را از شیوه نظامی به‌سیاسی تغییر داد و دست راست ایالات متحده آمریکا برای اجرای طرح سیاسی خود در مورد سوریه قطعا اردوغان و حزب مطبوعش عدالت و توسعه بود.

دیدار نوامبر ۲۰۰۵ میان اردوغان و بوش نیز در این میان بسیار مهم بود. در این دیدار به‌صورت رسمی اما پنهان، ماموریت فتح و اشغال سیاسی سوریه از درون به‌اردوغان داده شد. پس از این تاریخ هم شاهد روابط بسیار صمیمی و گرم ترکیه و سوریه هستیم و این روابط را حتی به‌صورت

خانوادگی میان رهبران دو کشور شاهد هستیم که در نوع خود بی‌نظیر است. اما هدف اصلی از ایجاد چنین روابطی این بود که اردوغان به آمریکایی‌ها قول داده بود تا بشمار اسد را با نفوذی که بر روی وی دارد از بلوک ضد آمریکایی و مقاومت دور و به آمریکا نزدیک سازد... پیام واضح‌تر آن است که: اگر که مذاکرات صلح سوریه در ژنو به نتیجه برسد، به احتمال زیاد غرب و آمریکا و دولت‌های منطقه روژواوا را تحت فشار قرار خواهند داد.

دلایل آن امر نیز روشن است. اتحادیه اروپا و آمریکا و ترکیه معاملات شرم‌آور و غیرانسانی با همدیگر دارند. اتحادیه اروپا برای این که جلو ورود پناهجویان را به اروپا، به‌ویژه پناهجویان سوری را بگیرد، همواره به ترکیه باج می‌دهد. آن‌ها از یک‌سو، به‌طور مرتب سوریه را بمباران می‌کنند و ارتش و دولت بشار اسد و حزب‌الله لبنان و سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران و روسیه و همه نیروهای مخالف دولت سوریه و مدافعان منطقه و بین‌المللی آن‌ها از مردم این کشور قربانی می‌گیرند اما آن‌هایی که از این جنگ و کشتار فرار می‌کنند به‌عنوان پناهنده نمی‌پذیرند. آن‌هم در شرایطی که رجب طیب اردوغان رییس‌جمهور ترکیه، جنگی بی‌رحمانه علیه مردم کرد در جنوب شرقی ترکیه به‌راه انداخته و در عین حال مواضع کردها در شمال سوریه را بمباران می‌کند.

اطلاعات کاخ سفید از یک تماس تلفنی بین رییس‌جمهور اوپاما و اردوغان در اواسط ماه فوریه نشان داد که، «اوپاما تاکید کرد که نیروهای YPG نباید به‌دنبال بهره‌برداری از شرایط این منطقه برای تصرف قلمرو بیشتر باشند...» گفته می‌شود که اوپاما سپس: «بر تعهد تزلزل‌ناپذیر ایالات متحده برای تامین امنیت ملی ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو تاکید کرده است». در همان زمان احمد داوود اوغلو نخست‌وزیر ترکیه تاکید کرد به‌ادامه بمباران مواضع YPG در شمال سوریه ادامه خواهد داد.

در ۲۷ فوریه، داوود اوغلو طی یک سخنرانی به‌حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP)، حمله کرد و این حزب را به‌خیانت متهم کرد. داوود اوغلو گفت: «آن‌ها همانند باندهای ارمنی با روسیه همکاری می‌کنند». در این زمینه، برچسب‌زدن نخست‌وزیر ترکیه به‌این حزب به‌عنوان «ارامنه» ای که با روس‌ها «همکاری» می‌کنند آشکارا توجیه نسل‌کشی سال ۱۹۱۵ ارمنی‌ها است و در عین حال، برچسب‌زدن به‌شهروندان کرد به‌عنوان «دیگران»، یعنی رسماً نفی شهروندی مردم کرد است.

گزارش‌گاردین به‌نقل از ابراهیم کالین، سخنگوی اردوغان، حاکی است که ترکیه «حملات هوایی علیه YPG را بررسی می‌کند» چرا که به‌گفته کالین «ما گزارش‌هایی در دست داریم که آن‌ها (YPG) با فرماندهان روسی صحبت می‌کنند... و با روس‌ها همکاری می‌کنند...».

هم کردها و هم غیرکردهایی که با دولت عدالت و توسعه مشکل داشتند از رای به‌حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) سود زیادی می‌بردند. به‌همین خاطر، این حزب غیر از مردم کرد، از سوی برخی نیروهای غیرکرد چپ و سوسیالیست و کارگری حمایت کسب کرد که بتواند ۱۳/۱ درصد آراء را کسب کند و از حد نصاب ۱۰ درصدی مورد نیاز برای کسب ۸۰ کرسی پارلمانی عبور کند. پیروزی HDP عدالت و توسعه را از اکثریت پارلمانی انداخت و مانع از آن شد که اردوغان اقدام به‌تغییر قانون اساسی ترکیه و تبدیل آن از نظام پارلمانی به‌نظام ریاستی کند. در آن صورت او می‌توانست قدرت اجرایی نامحدودی کسب کند.

موفقیت سیاسی HDP، سرآغاز عصر جدیدی در مشارکت سیاسی کردها است. حزب آشتی و صلح (ب.د.پ)، حزب نزدیک به HDP، در زمان اعتراضات سیاسی گزی پارک در سال ۲۰۱۳ (دو ماه بعد از اعلام آتش‌بس یک‌طرفه اوجالان و در آستانه شروع مذاکرات با دولت عدالت و توسعه)، تا حد زیادی ساکت ماند. اما برای ممانعت از تمایلات فزاینده به‌جداسازی مطالبات کردها از کلیت تلاش‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه در سراسر ترکیه، اوجالان از ب.د.پ خواست که تبدیل به‌حزبی جدید و فراگیرتر شود که بتواند «جنبش کردها و نیروهای چپ ترک را در کنار هم گرد بیاورد».

پیش از انتخابات هفتم ژوئن ترکیه، HDP کمپین منظمی برای کسب پایگاه اجتماعی فراتر از جامعه کرد ترکیه راه انداخت و به‌جوانان سوسیالیست و چپ ترک، کارگران، زنان و دیگر اقلیت‌ها رو آورد. پس از پیروزی انتخاباتی این حزب، صلاح‌الدین دمیرتاش، یکی از دو رهبر حزب، این موفقیت را پیروزی تمام «ستم‌دیدگان» خواند. با وجود موفقیت‌های HDP در میان چپ‌گرایان غیرکرد، بیش‌تر رای‌های این حزب از مردم کرد به‌دست آمده است. بر اساس تحلیل‌های آماري پرفسور اریک میرسون (Erik Myrsson) از دانشکده اقتصاد استکهلم، در این انتخابات تقریباً ۱/۵ میلیون رای‌دهنده محافظه کارکرد رای خودشان را از حزب «عدالت و توسعه» اردوغان به‌د.پ تغییر دادند. همچنین، به‌گفته یکی از موسسات پژوهشی و انتخاباتی ترکیه، تقریباً یک سوم آراء HDP از کسانی به‌دست آمد که پیش از این حامی حزب عدالت و توسعه بوده‌اند.

تا این که اردوغان جنگ همه‌جانبه‌ای را علیه مردم کرد و بمباران مواضع پ.ک.ک در قندیل راه انداخت. و به‌جای تشکیل دولت ائتلافی، ۱ نوامبر را به‌عنوان انتخابات زودرس انتخاب کرد. هدف اردوغان این بود که حزب دموکراتیک خلق‌ها نتواند وارد پارلمان شود. در انتخابات ۱ نوامبر هر چند به‌طور ناگهانی و در بهت کارشناسان و مراکز آمارگیری بالا رفت اما حزب دموکراتیک خلق‌ها این بار با آرای کمتر و با ۵۹ نماینده وارد پارلمان شد. هر چند حزب عدالت و توسعه دولت تک‌حزبی خود را همچون گذشته تشکیل داد اما آرایش برای تغییر قانون اساسی در پارلمان به‌حد نصاب نرسیده است.

با همه جنایات دولت و ارتش و رییس‌جمهور ترکیه علیه بشریت مرتکب شده‌اند اما با این وجود، اتحادیه اروپا هم چنان با معاملات غیرانسانی علیه پناهجویان سوری و غیره ادامه می‌دهد.



ژان کلود یونکر رییس کمیسیون اروپایی، داوود اوغلو نخست‌وزیر ترکیه، دونالد توسک رییس شورای اروپایی، و مارک روتته نخست‌وزیر هلند

دونالد توسک، رییس شورای اروپایی، می‌گوید که سران ۲۸ کشور عضو این اتحادیه همراه با احمد داوود اوغلو، نخست‌وزیر ترکیه، سرانجام به‌شکل رسمی توانسته‌اند در مورد بحران ورود پناهجویان به‌اروپا به‌توافق دست یابند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، توسک در صفحه کاربری خود در شبکه اجتماعی توئیتر اعلام کرده است که توافق میان تمامی سران اتحادیه اروپایی و ترکیه صورت گرفت. رای گیری برای این توافق بدون ذکر نام انجام شده است.

خبرگزاری فرانسه، با خلاصه کردن نکات این توافق نامه یادآور شده که بر پایه این توافق تمامی مهاجران غیرقانونی که از دو روز آینده (اول فروردین ماه ۱۳۹۵) و از طریق مرز ترکیه وارد یونان می شوند، به کشور ترکیه بازگردانده خواهند شد.

بر پایه این گزارش این قانون شامل همه مهاجران غیرقانونی، چه آنهایی که از جنگ گریخته اند و چه آنهایی که مهاجر اقتصادی اند، می شود و اهمیتی ندارد که این مهاجران از کدام کشور می آیند.

همچنین قرار شده است که از اول فروردین ماه، مقامهایی از ترکیه در جزایر یونان مشغول به کار شوند و مقامهایی از یونان نیز در خاک ترکیه فعالیت خود را آغاز کنند.

در متن این توافق نامه آمده است که این تدابیر موقتی و فوق العاده است و برای اتمام رنج انسانها و بازگشت قانون ضروری است. برای آنکه تمامی امور مطابق با قوانین بین المللی باشد، نام تمامی پناهجویان در ترکیه و در یونان ثبت خواهد شد و هرگونه پرونده پناهندگی، فرد به فرد توسط مقامهای یونان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آنهایی که پرونده پناهندگی شان پذیرفته نشود، به کشورشان بازگردانده خواهند شد. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به این بازگشت کمک خواهد کرد و تمامی هزینه ها توسط اتحادیه اروپا تقبل خواهد شد.

در این توافق نامه، اتحادیه اروپا اعلام کرده که از تعهد ترکیه برای حمایت از پناهجویان مطابق با قوانین بین المللی استقبال خواهد کرد. از دیگر مواردی که در این توافق نامه آمده است که به ازای هر یک پناهجوی سوری که از یونان به ترکیه بازگردانده می شود، یک پناهجوی سوری دیگر از ترکیه به اتحادیه اروپا فرستاده خواهد شد.

علت اتخاذ این تصمیم، این عنوان شده که از شور و شوق پناهجویان برای زدن به دریا و سپردن خود به دست قاچاقچیان و قایق های پرخطرشان کاسته شود. علت دیگر آن است که به این ترتیب پناهجو امید بیش تری خواهد داشت که از اردوگاه پناهجویی در ترکیه یک سره به اروپا رود.

در این زمینه زنان و کودکان و آنهایی که پیش تر از خاک یونان مسترد نشده اند، از بخت بالاتری برخوردار خواهند بود.

ترکیه در ازای این همکاری پول بیشتر، تسهیلات سفر بدون ویزا به اروپا برای شهروندان ترک و همچنین پیشرفت بیشتر در پرونده عضویت این کشور در اتحادیه اروپا دریافت خواهد کرد.

پیش از خبر حصول توافق، فدریکا موگرینی، مسنول سیاست خارجه اتحادیه اروپا، به وزرای خارجه کشورهای اروپایی اخطار داده بود که نزدیک به نیم میلیون نفر از مردم لیبی نیز به خاطر جنگ داخلی در این کشور آواره شده اند و احتمال آن می رود که آن ها نیز به فوج مهاجران به اروپا بپیوندند.

موگرینی در نامه ای که به این وزرای خارجه نوشته و نسخه ای از آن به دست خبرگزاری رویترز رسیده است، از کشورهای اروپایی می خواهد که برای بازگشت ثبات به لیبی بحران زده کمک کنند.

دیوید کمرون، نخست وزیر بریتانیا نیز با اشاره به آغاز موج مهاجرات اهالی لیبی، صبح روز جمعه از رهبران اروپایی خواست تا کشتی های امداد و نجات بیشتر را روانه آب های مدیترانه کنند تا به محض آن که قایق قاچاقچیان لیبی را به مقصد اروپا ترک می کند، آن ها را مجددا به خاک لیبی بازگرداند.

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان روز سه شنبه هشتم مارس ۲۰۱۶، هشدار داده است که توافق ترکیه و اتحادیه اروپا برای مهار بحران پناهجویان ممکن است نقض قوانین بین المللی باشد.

به گزارش رویترز، فیلیپو گراندی گفته است: «من عمیقاً نگران هرگونه توافقی هستم که براساس آن بدون در نظر گرفتن قوانین بین المللی در خصوص حقوق پناهندگان، افراد را از کشوری به کشوری دیگر منتقل کنند».

براساس توافق اولیه که بین اعضای اتحادیه اروپا حاصل شد قرار است ترکیه در مقابل دریافت پول، تسریع مذاکرات عضویتش در اتحادیه اروپا و مزایای مسافرت بدون روادید تلاش کند تعداد بیش تری از پناهندگان را بپذیرد.

گروه های مدافع حقوق بشر از این توافق انتقاد کرده اند و سازمان عفو بین الملل گفته است که توافق ترکیه و ۲۸ کشور اتحادیه اروپا در خصوص پناهجویان تیر خلاص به حق پناهندگی خواهد بود.

در همین زمینه، سازمان پزشکان بدون مرز نیز گفته است این توافق غیر انسانی است.

این در حالی است که احمد داوود اوغلو، نخست وزیر ترکیه گفته است، این توافق مانع مهاجرت قانونی پناهجویان سوری نخواهد شد.

نخست وزیر ترکیه که در کنفرانس خبری با همتای یونانی خود در ازمیر صحبت می کرد، گفته است: هدف این است که مانع مهاجرت غیرقانونی شود. سوری های که در اردوگاه های ما هستند می توانند از طریق قانونی برای مهاجرت به اروپا اقدام کنند.

در همین حال، نخست وزیر ترکیه روز گذشته گفته بود: «ما تصمیم بسیار مهمی گرفته ایم که همه مهاجران غیرقانونی که از ترکیه به یونان می روند را بدون در نظر گرفتن ملیت آن ها بپذیریم».

جنگ داخلی در سوریه باعث شده است تا میلیون ها نفر از خانه و کاشانه خود آواره شوند.

اتحادیه اروپا قبلاً نیز سه میلیارد یورو کمک در اختیار ترکیه گذاشته بود، اما معلوم نبود طرف را بر سر نحوه استفاده از آن هم عقیده باشند.

این در حالی است که یگان های مدافع خلق در روژاوا، به خصوص یگان های زنان، موثرترین نیروی مبارز در راه آزادی خواهی و برابری طلبی علیه داعش بوده اند. اما سنوالم مهم این است که آیا دولت های منطقه و غرب، چنین سیستم مردمی و دموکراتیک متأثر از سیاست های

سوسیالیستی و شورایی را در سوریه تحمل خواهند کرد؟ به خصوص رهبران روژاوا، اگر سیاست های طبقاتی و ارتباط تنگاتنگ با جنبش کارگری و نیروهای مدافع طبقه کارگر در سوریه و منطقه و جهان برقرار نکنند، احتمال این که دولت های سرمایه داری این حرکت انقلابی و اجتماعی و سوسیالیستی را به شکست بکشاند دور از انتظار نیست. به عبارت دیگر، رهبران روژاوا باید همه گزینه های مثبت و منفی را مورد

بحث و بررسی قرار دهند و صرفاً رابطه خود را به برقراری روابط با دولت ها، محدود نکنند. حرکت بین المللی یک نوامبر ۲۰۱۴ در همبستگی با کوبانی نشان داد که سمپاتی زیادی با تحولات روژاوا وجود دارد بنابراین باید این روابط را محکم تر و نزدیک تر کرد! بنابراین حزب اتحاد دموکراتیک (پ.ی.د)، پیروزی های مهمی در مقابل داعش را پایه گذاری کرده است.

هنگامی که نیروهای داعش منطقه کوهستانی سنجار را در شمال غرب عراق محاصره کردند، یگان های مدافع خلق، کریدوری درست کردند تا ده هزار کرد ایزدی گرفتار داعش را به روژاوا انتقال دهند. تصاویر مخابره شده از نیروهای پ.ک.ک و ی.پ.گ که در حال نجات ایزدی ها از دست نیروهای داعش بودند اعتبار پ.ک.ک و ایده خودمدیریتی دموکراتیک را در منطقه افزایش داد.

علاوه بر این، حمله داعش به کانتون کوبانی نیز همکاری میان غرب و نیروهای کرد هم‌سو با پ.ک.ک را تقویت کرد و ائتلاف میان این دو را به‌عنوان راهی برای جلوگیری از پیشروی داعش در سوریه مطرح نمود.

حالا که ه.د.پ به پارلمان راه یافته است، باید برای عملی کردن وعده‌هایش، هم به‌مردم کرد و هم به نیروهای تحت ستم و سوسیالیستی جامعه شهری ترکیه، تلاش زیادی بکند. عامل تعیین‌کننده در این میان، برنامه‌های این حزب برای طبقات پایین و اقلیت‌های تحت ستم ترکیه است. از طرف دیگر، آنچه که میزان حمایت از ه.د.پ را در قلب مناطق کردنشین ترکیه مشخص می‌کند موفقیت این حزب در پیش‌برد آرمان خودگردانی دموکراتیک کردستان ترکیه است. با توجه به این‌که بالاترین نرخ زاد و ولد متعلق به مناطق کردنشین ترکیه است و تعداد فرزندان هر خانوار در این مناطق ۳ تا ۴، یا ۴ تا ۵ فرزند (بسته به استان) است، نیروهای سوسیالیستی ترکیه اگر می‌خواهند کماکان در پارلمان ترکیه به‌عنوان یک نیروی سیاسی تاثیرگذار مطرح باشند باید به‌خواسته خودگردانی مردم کرد تن بدهند.

ی.پ.گ شهر استراتژیک تل ابیض را، آن‌سوی شهر «آچه قلعه» در ترکیه، تصرف کردند. با تصرف تل ابیض، ی.پ.گ مسیر لجستیک شمال به جنوب را برای پایتخت داعش در رقه قطع کرد. این پیروزی استراتژیک به تلاش‌های پی.ی.د برای اتصال کوبانی به کانتون «جزیره» در شمال شرقی سوریه و ایجاد یک قلمرو یک‌پارچه از کوبانی تا مرز عراق کمک کرده است. پی.ی.د اکنون داعش را از مناطق میان کوبانی و کانتون «عفرین» پاک‌سازی کرده است.

پی.ی.د با حمایت بین‌المللی کارگران، سوسیالیست‌ها، زنان و جوانان و همه انسان‌های آزاده به‌زودی قلمرو پیوسته‌ای در سوریه به‌دست خواهد آورد که تقریباً تمام مرز جنوبی ترکیه را پوشش می‌دهد، حتی اگر اردوغان هفته پیش به‌صراحت گفته باشد که هیچ‌گاه اجازه تاسیس حکومتی جدید در شمال سوریه را نخواهد داد.



سقوط بشار اسد و برپایی یک سیستم خودگردانی دموکراتیک، به‌معنای واقعی تنها راه رهایی جامعه ترکیه از جنگ و تروریسم و خانه‌خرابی بیش‌تر است. چرا که بدون وجود یک جایگزین دموکراتیک قدرت‌مند و سراسری هم چون روژاوا می‌تواند اسفناک‌تر و فاجعه‌بارتر باشد و این دقیقاً سخن مشترک رهبران روژاوا است که باید در سراسر سوریه، یک سیستم انسانی و آزادی‌خواه و برابری‌طلب خودگردانی دموکراتیک برقرار شود اما به‌شرطی که دولت‌های غربی و حامیان منطقه‌ای آن‌ها دست از حمایت و تسلیح گروه‌های تروریستی اسلامی و جنگ‌طلب بردارند.

سوریه کشوری است با تنوع نژادی و مذهبی که جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون نفر را در خود جا داده است. غیر از مردم عرب، کردها، ارمنی‌ها، ترکمن‌ها، چچن‌ها، چرکس‌های آسیان تبار و یهودیان از اقلیت‌های این کشور هستند. همچنین پیروان اسلام و مسیحیت در این کشور زندگی می‌کنند. مسلمانان سوریه به‌علوی، سنی و اسماعیلی تقسیم می‌شوند. همچنین ادیان غیرالهی دروز و ایزدی که پیروان آن‌ها به‌ترتیب دروزیان و یزیدیان نامیده می‌شوند در سوریه وجود دارند.

اکثریت کردهای سوریه به‌زبان کورمانجی، گویش کردها در ترکیه، شمال شرقی عراق و غرب ایران سخن می‌گویند. آن‌ها به‌استثنای برخی از کردهای ایزدی، سنی شافعی یا شیعه علوی هستند. از لحاظ جغرافیایی، اکثر کردهای سوریه در شمال و به‌ویژه در شمال شرق این کشور تجمع کرده‌اند و بیش‌تر جمعیت آن‌ها در شهرهای قامیشلی و حسکه ساکن هستند. البته شمار زیادی از مردم کرد، در شهرهای بزرگی مانند حلب و دمشق زندگی می‌کنند.

نهایتاً تجزیه سوریه، نه از طرف روژاوا، بلکه بر عکس از سوی دولت‌های غربی و در راس همه آمریکا و دولت متحد منطقه‌ایش مدت‌ها است که مطرح کرده‌اند ولی تاکنون هیچ اجماع نظر و اراده مستحکمی برای اجرایی‌شدن آن مشاهده نشده است. رهبران روژاوا همواره تأکید کرده‌اند که سیستم خودگردانی را برای سراسر سوریه می‌خواهند و قصد جدایی و استقلال ندارند. طرح‌های دولت‌های غربی و منطقه‌ای، به‌هیچ‌وجه به‌ایجاد یک جامعه سکولار و برابر و بدون توجه به ملیت، جنسیت، مذهب و سیاست‌های متفاوت منجر نخواهد شد. چرا که هنوز هم در عراق و افغانستان و لیبی شاهد ادامه جنگ و خونریزی و تروریسم دولتی و غیردولتی هستیم. در حالی که سال‌هاست مانند شاهد یک سیستم خودگردان دموکراتیک در روژاوا هستیم و کارکرد مناسب آن را در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و دیپلماتیک دیده‌ایم. این تجربه با وجود همه اشکالاتش و از اتخاذ صریح موضع طبقاتی، تجربه‌ای مناسب و عملی و انسانی نه تنها برای نجات مردم سراسر سوریه، بلکه حتی منطقه است. باید ضمن حمایت و پشتیبانی از این طرح مواضع طبقاتی و مناسبات شورایی آن را تقویت کرد و اشکالاتش را هم در عرصه عملی و هم نظری برطرف کرد. چرا که در کنفدراسیون دموکراتیک، زمینه مناسبی برای فعالیت عمیق‌تر در این منطقه به‌وجود آمده و اکنون در کردستان ترکیه نیز در حال پیاده شدن است. چنین طرحی هیچ‌گاه به‌صورت رسمی از سوی دولت‌های غربی و مقامات سیاسی بزرگ دنیا و منطقه حمایت نخواهد شد. به دلیل این‌که سیستم موجود سرمایه‌داری جهانی، هرگز یک سیستم جدید مردمی از پایین را هرگز تحمل نمی‌کند. مگر این‌که با قدرت ستم‌دیدگان و جنبش‌های اجتماعی قدرتمند جنبش مزدبگیران و همه محرومان و ستم‌دیدگان، آلترناتیو طبقاتی آن‌ها به‌سیستم موجود سرمایه‌داری تحمیل شود.

آخر اسفند ۱۳۹۴ - نوزدهم مارس ۲۰۱۶